

دکتر باقرپور کاشانی



نقدی بر سلطانعلیشاه که پرستش هر چیزی  
را پرستش خداوند می داند!

هو الحکیم

## نقدی بر سلطانعلیشاه که پرستش هر چیزی را پرستش خداوند

می‌داند!

وجود اندر کمال خویش ساریست      تعین‌ها اموری اعتباریست  
امور اعتباری نیست موجود      عدد بسیار و یک چیزست موجود  
می‌گویند وجودی غیر وجود خدا نیست! کثرات هم که اموری عدمی هستند! ظلمت  
و عدمی هستند! پس انزال کتب رد می‌شود! ارسال رسل می‌شود بی‌فایده! بی‌معنا! بعد  
امتحان چه؟! چه کسی را می‌خواهند امتحان کنند؟! وجودی غیر وجود خدا نیست! و  
وجود منشاء اثر هست! و اساساً چیزی که خارجیت دارد، آن موجود بنا بر اصالت  
وجود و منشاء اثر هست. لذا اگر کثرات وجودی نداشته باشند، این کثرات را چگونه  
می‌خواهند امتحان کنند؟! امر خدا می‌شود لغو! نهی خدا می‌شود لغو! واجبات، ترک  
محرمات، مکروه، مباح، تکلیف، کلاً همه لغو در لغو و بیهوده و امر عدمی! بعد  
نتیجه‌اش چه؟ بهشت هست، جمعی هم جهنم می‌روند! مگر بهشت و جهنم وجودی  
غیر وجود خداست؟! مگر اساساً یک شیئی غیر خدا هست که ما بگوییم این شیء

مختار هست؟ مختار هم معنی ندارد! وجودی غیر وجود خدا نیست! جبر هست! جبر هم نیست! اصلاً چیزی نیست که بگوییم جبر هست یا مختار! بعد هم شما هر چه پرستی او را پرستیدی!

به خاطر اینکه هر چه که پرستیدی، اگر به حیث ماهیتش نگاه بکنی که ماهیت عدمی هست؛ به حیث وجود نگاه بکنی که هر چه پرستی وجودی غیر وجود خدا نیست! کما اینکه چنین حرفی هم گفتند! نه اینکه فکر کنید چیز خیلی عجیبی هست که بنده دارم این را عرض می‌کنم!

عبارت را بخوانم؛ یکی از متصوفه به نام سلطانعلیشاه، تفسیری دارد با عنوان «بیان السعادة»، در ذیل این آیه:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ﴾

که جلسه قبل توضیح دادم ﴿قَضَىٰ﴾ را بعضی می‌گویند قضا تکوینی هست، گفتم ﴿وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ نشان می‌دهد این تکوینی نیست.

ایشان می‌نویسد:

«اگر اجزای عالم به حسب اسم‌های لطفی و قهری خداوند از مظاهر خدای یگانه یکتای قهار باشند، در این صورت عبادت انسان نسبت به هر معبودی که باشد عبادت اختیاری خواهد بود. پس عبادت اختیاری شیطان، توسط ابلیسیه (شیطان پرستان)...»

بینید وقتی که قضای تکوینی باشد که آن را پرستند، بعد این از مبانی وحدت وجود هست، یعنی چون وجودی غیر او نیست هر چه را پرستی یک وجود هست! وجودی غیر وجود او نیست!

«عبادت ابلیسیه (شیطان پرستان)، عبادت جن توسط کاهنان، عبادت ملائکه توسط بسیاری از هندوها، عبادت آلت تناسلی مرد و زن توسط برخی از هندوها که به عبادت آلت تناسلی مرد و زن قائلند، همگی عبادت کنندگان خداوندند؛ از آن رو که نمی دانند زیرا همه معبودها مظاهر خدا هستند، به حسب اختلاف اسامی او بدین روی گفته اند».

یک شعری از شیخ محمد شبستری می آورد:

اگر مؤمن بدانستی که بت چیست      یقین کردی که دین در بت پرستی ست

این بت وجودش مگر غیر وجود خداست؟! پس تو داری این را می پرستی وجود خدا را داری می پرستی! این حرف خیلی حرف ناجوری هست!

بعد در ادامه می نویسد:

«لکن این عبادت به امر تکلیفی از سوی خداوند نیست، استحقاق اجر و ثواب بر آن وجود ندارد. بلکه مستحق عقوبت عذاب هست».

یعنی درست هست اول از لحاظ تکوینی هر چه را پرستی او را پرستیدی، اما خدا تکلیف کرده نه این طوری پرستید که بت را پرستید!

این را کجا می نویسد؟!

در کتاب بیان السعادة، جلد دوم، صفحه ۴۳۷، چاپ بیروت: اعلمی، چاپ دوم،

۱۴۰۸ هـ ق؛ صفحه ۴۳۸ هم می گوید بله تکلیف شده!

تکلیف چیست جناب آقای سلطانعلیشاه؟! تکلیف چیست؟! تکلیف برای کیست؟!

تمام

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ وَاقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ